

## بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

القرآن قالَ نَعَمْ قَالَ قَدْ زَوْجْتُكُهَا عَلَىٰ مَا تُحْسِنُ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَلَمْهَا إِيَاهَا ». بیغمبر(ص) از طرف هردو نفر آنها وکیل شدند ولی فقط لفظ ایجاب را بیان کردند و فرمودند : « زوجتكها على ما تحسن من القرآن فعلمها إيهاه » و دیگر لفظ قبول را بیان نکردن که از آن استفاده می شود که در عقود فقط إنشاء ایجاب کافی است و دیگر إنشاء قبول لازم نیست ، البته آن شخص قابل باید راضی باشد ولی إنشاء قبول توسط او لازم نیست .

خبر بعدی خبر ۱ از باب ۱ از ابواب عقد نکاح می باشد ، خبر این است : « محمدبن علی بن الحسین بایسناده عن زراره بن أعين عن أبي عبد الله(ع) فی حدیث خلق حوا و تزویج آدم بها : أَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لَهُ : أَخْطَبَهَا إِلٰيَّ ، فَقَالَ : يَا رَبَّ إِنِّي أَخْطَبْهَا إِلٰيْكَ - إِلٰيَّ أَنْ قَالَ : - فَقَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ : قَدْ شَئْتَ ذَلِكَ وَ قَدْ زَوْجْتُكُهَا فَضْمَهَا إِلٰيْكَ ». حضرت امام(ره) این خبر را ذکر نکرده اند ولی ما دیدیم که به این خبر نیز می شود استدلال کرد ، این روایت درباره خلق حوا و تزویج او به آدم می باشد که بسیار مفصل است و همانطور که می بینید بعد از خواستگاری آدم حوا را ، خداوند متعال با توجه به ولایتی که بر حوا دارد او را به عقد آدم در آورده منتهی در صیغه ای که خوانده فقط لفظ ایجاب را بیان کرده و فرموده : « زوجتكها فضمها إليک » و دیگر لفظ قبول در عقد ذکر نشده بلکه به همان ایجاب اکتفاء شده و خداوند متعال با اینکه بر حوا و لایت دارد ولی به اونگفته که این عقد را قبول کن بلکه به همان ایجاب اکتفاء نموده .

خبر بعدی خبر ۶ از همین باب ۱ می باشد ، خبر این است : « وَ عَنْ عَلَيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُوِيدَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ جَمِيلٍ عَنْ زُهْبَرِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقِ عَنْ (عاصِمِ بْنِ ضَمْرَةَ) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي حَدِيثِ طَوِيلِ أَنَّهُ قَالَ لِامْرَأَةً أَلَّا تَكُنْ وَلِيَّ قَالَتْ: نَعَمْ هُوَلَاءِ إِخْوَتِي فَقَالَ لَهُمْ أَمْرِي فِيْكُمْ وَ فِي أُخْتَكُمْ جَائِزٌ قَالُوا نَعَمْ فَقَالَ عَلَيْهِ (ع) أَشْهُدُ اللّٰهَ وَ أَشْهُدُ مَنْ حَضَرَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنِّي قَدْ رَوَّجْتُ هَذِهِ الْجَارِيَةَ مِنْ هَذَا الْعَلَامِ بِأَرْبَعَمَائَةِ دِرْهَمٍ وَ النَّقْدُ مِنْ مَالِي ». همانطور که می بینید در این روایت نیز در اجرای صیغه عقد به لفظ ایجاب اکتفا شده ، زوجت

شیخ انصاری(ره) می فرماید : « مسئله : المحکی عن جماعة ، منهم : السيد عمید الدين والفضل المقادد والمحقق والشهید الثنایان : اعتبار العربية في العقد ؛ للتأسی ، كما في جامع المقاصد ، و لأنّ عدم صحته بالعربي غير الماضي يستلزم عدم صحته بغير العربي بطريق أولی . و في الوجهين ما لا يخفى . وأضعف منها : منع صدق العقد على غير العربي مع التمكن من العربي . فالآقوی صحته بغير العربي ». اگر بنا باشد صیغ عقود حتما به عربی خوانده شوند با توجه به اینکه لغات مختلفی در جهان وجود دارد و از طرفی اسلام یک دین جهانی و برای همه مردم می باشد چنین چیزی با سهولت اسلام جور در نمی آید لذا این قول ( لزوم عربیت و ماضویت ) ضعیف است و در حال حاضر مطرح کردن این بحثها به طور مفصل شمره ای ندارد .

حضرت امام(ره) بحثی را مطرح کردند و آن این بود که آیا قبول نیز جزء و رکنی از عقود است یا اینکه ایجاب به تنها ی کافی می باشد؟ ایشان در ص ۳۲۵ از جلد اول کتاب بیعشان می فرماید : هرچند که در میان مردم متعارف است که عقود را به ایجاب و قبول می خوانند ولی تقوی عقد فقط به همان ایجاب می باشد زیرا در معاملات دو چیز لازم است : اول اصل معنی و قصد و اراده طرفین ، و دوم إنشاء آن معنی ، که این با ایجاب محقق می شود و دیگر نیازی به قبول نیست .

حضرت امام(ره) برای اثبات این مطلب ( عدم نیاز به قبول ) به چند روایت استناد کردند : اول خبر ۳ از باب ۱ از ابواب عقد النکاح ، خبر این است : « مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرَ (ع) قَالَ جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَنْ لَهُذِهِ فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا تُعْطِيْهَا قَالَ مَا لِي شَيْءٌ إِلَيْهِ أَنْ قَالَ فَقَالَ أَتُحْسِنُ شَيْئًا مِنْ

ایم که در بیع و امثال آن ماضی نیست بلکه مضارع و امر و حتی اسم فاعل ذکر شده ، مثلا در خبری حضرت در مورد بیع تمر فرموده : «أشترى منك هذه الرطبة من هذا النخل» أشتري مضارع متکلم وحده می باشد که حضرت آن را کافی دانسته ، و یا در خبر دیگری که در باب ۸ از ابواب مضارعه و مساقات وسائل ذکر شده حضرت فرموده اگر خواستید مضارعه کنید : «يقول لصاحب الأرض : أزرع في أرضك و لك منها كذا و كذا» که در اینجا نیز مضارع متکلم وحده به کار برده شده ، و همچنین در خبر ۲ از باب ۹ از ابواب مساقات نیز گفته شده : «إسق هذا الماء وامرها و لك نصف ما خرج» خوب در اینجا نیز حضرت فعل امر به کار برده ، و یا در خبر دیگری که از امام کاظم(ع) نقل شده حضرت درباره بیع کنیزی که فرار کرده فرموده به صاحبین بگو : «أشترى منكم جاريتكم فلانة» که در اینجا نیز حضرت فعل مضارع متکلم وحده به کار برده ، خلاصه اینکه از روایات ما استفاده می شود که لازم نیست که حتما صیغه عقد با فعل ماضی خوانده شود بلکه مضارع و امر و حتی اسم فاعل نیز کافی می باشند ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله ... .

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخرأ و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

گاهی مثل اینجا با من متعدد می شود و کسانی که صیغه عقد می خوانند نیز احتیاطاً زوّجتُ را با من متعدد می کنند و می گویند زوّجتُ هذه من هذا ، و گاهی با دو مفعول متعدد می شود مثلا در سوره احزاب گفته شده : «فَلِمَا قضى زِيدٌ مِنْهَا وَطَرَا زَوْجَنَاكُمَا» که در اینجا زوّج با دو مفعول ک و ها متعدد شده البته ما به این آیه برای مانحن فيه استشهاد نمی کنیم زیرا مربوط به یک قصه و مطلب خاصی می باشد .

خبر بعدی خبر ۹ از همین باب ۱ می باشد ، خبر این است : «وَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلَىٰ بْنِ حَسَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أُبْيَيْ عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَهَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَنْ يَتَرَوَّجَ خَدِيجَةَ بْنَتُ خُوَلَدَ أَقْبَلَ أَبُو طَالِبٍ ثُمَّ ذَكَرَ حَطِبَتَ إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَتْ خَدِيجَةُ قَدْ زَوْجْتُكَ يَا مُحَمَّدُ نَفْسِي وَ الْمَهْرُ عَلَىٰ فِي مَالِي الْحَدِيثَ». در این خبر نیز به لفظ ایجاب اکتفاء شده و حضرت خدیجه(س) فرموده : «قد زوّجتک یا محمد نفسی» و دیگر لفظ قبول ذکر نشده .

خبر بعدی خبر ۱۰ از همین باب ۱ می باشد ، خبر این است : «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنَ سَيَّدَهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ هَشَامٍ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أُبْيَيْ عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُتَعْنَةِ كَيْفَ أَتَرَوَّجُهَا وَ مَا أَقُولُ قَالَ تَنَوُّلُ لَهَا أَتَرَوَّجُكَ عَلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنْنَةِ نَبِيِّكَذَا وَ كَذَا شَهْرًا بِكَذَا وَ كَذَا دِرْهَمًا الْحَدِيثَ». در این خبر نیز حضرت طریقه خواندن صیغه عقد وقت را به ما یاد می دهد که در آن به لفظ ایجاب اکتفاء شده . خوب با توجه به این روایات مطلب امام(ره) که فرمودند در عقد رکن تنها ایجاب است برای ما روشن شد و وقتی تنها ایجاب در نکاح کافی باشد در عقود دیگر نیز همین طور می باشد و ظاهرا حرف ایشان درست است و نوعی ابتکار در بحثهای فقهی می باشد .

همانطور که عرض شد شیخ انصاری(ره) بحثهای مفصلی را درباره عربیت و ماضیوت و تقدیم ایجاب بر قبول و امثال ذلک مطرح کرده و اقوال زیادی را از علماء در این رابطه نقل کرده و اصرار دارد که عقد باید ماضی باشد ، اما بنده عرض می کنم که اولاً ما تابع اطلاعات عمومات هستیم و ثانیاً ما در اینجا روایاتی ذکر کرده